

کسرها



دیر صفحه: مسعود دانش منش



دلار در استقبال از رئیس جدید بانک مرکزی سنگ تمام گذاشت

پیشنهاد رابوسی ملی

«جهانگیری: مردم نگران نباشند»

در روز معارفه رئیس جدید بانک مرکزی دلار از ۹ هزار و ۳۰۰ تومان به ۱۰ هزار تومان افزایش پیدا کرد تا بازار ارز هم به سبک خود به استقبال رئیس جدید رفته باشد. در همین راستا معاون اول رئیس جمهور در پاسخ به سوالی درباره التهابات بازار ارز گفت: ما باید تلاش کنیم همه شخصیت‌های برجسته نمایندگان با هم دیدار و رابوسی کنند و رابوسی ملی در کشور شکل بگیرد. دکتر مهندس جهانگیری در خصوص گرانی و تأمین کالاها ی اساسی کشور نیز صحبت کرد و گفت: مردم عزیز نگران نباشند، رفع حصر در شورای امنیت ملی دارد تصویب می‌شود و با این اتفاق تمام کالاها ی مورد نیاز از اساس تأمین خواهد شد.

در همین ارتباط قائم مقام دبیر کل حزب اعتماد ملی اظهار کرد: تلاش آقای جهانگیری رفع محدودیت‌های آقای خامنه‌ای است تا در جلسه‌ای با حضور بزرگان نظام ایشان نیز حضور داشته باشند.

برخی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب نیز در گفت‌وگوهای جداگانه‌ای درباره مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم عنوان کردند که امروز با پدیده اصلاح‌طلبی بدون اصلاح‌طلب روبه‌رو هستیم.

وی افزود: از زمان نگارش این مطلب تا الان (نه، الان!) نرخ دلار ۲۰۰ تومان افزایش یافت. به همین منظور اسحاق جهانگیری در گفت‌وگوی تلفنی با فرزند ارشد مهدی کروبی گفت: «فعال دلار را از حصر خارج کردیم، ایشالا نوبت بابای شما هم می‌رسد.» حسام‌الدین آشنا نیز در این باره توثیت کرد: «می‌خوری یا بخورم؟»

گفتنی است نخبگان هر دو جناح کماکان در حال رمزگشایی از این توثیت هستند. ضمن اینکه روزنامه شرق با ۱۲۰۰ نفر از کارشناسان درباره این توثیت مصاحبه کرده که خالی از لطف است.

هشت پایت را بغل کن

تشتک والاغ!

«بلیت نیم بهای سُر سُرّه آبی برای کابینه»

درست است که برخی کالاها مثل مرغ و گوشت و نان و آب و برق و گاز و لبنیات و این‌ها گران شده‌اند و هزینه مسکن کمی تا قسمتی روی کمر مردم سنگینی می‌کند اما در عوض دولت کلی تکنولوژی جدید وارد کشور کرده که فردا نه، پس فردا باعث پیشرفت‌مان خواهد شد و چشم همه را از کاسه در خواهد آورد. با ارز دولتی هم وارد کرده به همین سوی چراغ! یک قلمش همین فناوری «تشتک نوشابه» که فقط در سال ۱۳۹۶، حدود دویلمیون و هفتصد هزار دلار بابت آن ارز دولتی داده شده تا وارد کشور شود.

تازه اینکه چیزی نیست، با مراجعه به سایت وزارت صنعت و دانلود رایگان لیست کالاها ی مشمول ارز دولتی، نتیجه می‌گیریم که به همه اعضای کابینه باید بلیت نیم بهای توجال و سُر سُرّه آبی بدهند هفته‌ای دوبار بروند تنی سبک کنند. مثالش هم اینهاش (توضیح از من است):

مرغ شاخدار (بچه اسب تکشاخ و سیم‌مرغ)

سگ و گربه معمولی (این‌هایی که خودمان داریم، معمولی نیستند)

گوشت اسب (برای حلیم بوقلمون)

احشاء (همان روده و اینها)

خرگوش وحشی (برای تمرین اهلی کردن)

خرچنگ صخره‌ای (دقیقا)

پنیر دارای رگه‌های کبک آبی رنگ (در حال مذاکره برای قرمز رنگ)

هشت پا (آدم را بغل می‌کند کیف می‌دهد)

و سرنیزه!

بتن‌ریزی اوقات فراغت

خبرگزاری فارس: «بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به این بهانه که در مقاله یکی از دانشجویان دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت از واژه ساترنیویز استفاده شده اقدام به بازرسی و نمونه‌برداری از برخی آزمایشگاه‌های دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت کردند.»

اینطور که شواهد نشان می‌دهد مثل این که در مذاکرات دولت محترم تدبیر برای نشان دادن حسن نیت، قید شده است که هر جور ارتباط با فناوری هسته‌ای، تا اطلاع ثانوی تعطیل است. مثلا اگر دیدید از دهان یک مدیر بخت پرگشته مدرسه ابتدایی در یک روستای خیلی دور یکپو دربرود که دانش‌آموزان عزیز امسال برای «غنی‌سازی» اوقات فراغت شما کلی برنامه ریخته‌ایم، تعجب نکنید که کارشناسان سازمان بین‌المللی انرژی اتمی بریزند توی مدرسه که چرا امنیت ملی را به خطر می‌اندازید؟! چرا تنش‌زایی می‌کنید؟! اصلا چرا غنی‌سازی؟ مگر قدیمی‌ها که اوقات فراغت را غنی‌سازی می‌کردند به کجا رسیدند؟

تازه این تمام ماجرا نیست، چرا که ممکن است بعد از رفتن جاسوسان -بیخشد کارشناسان محترم- آژانس، مدیر بی‌تدبیر مدرسه دوباره به خاطر آشنا بودن با سیاست بین‌الملل به سرش بزند اوقات فراغت کودکان را غنی‌سازی کند. این‌بار دیگر حتما توی اوقات فراغت بچه‌ها بتن می‌ریزند تا موبی لای درز سیاست تنش‌زایی نرود! نتیجه اخلاقی: یا تا ۲۵ سال آینده اصلاح‌حرفی نزنیم و از جای خود تکان نخوریم، یا حداقل بتن مرغوب به همراه داشته باشیم.

خدمت دولت به بانوان؛ مهریه‌ها چند برابر شد

ظریف: امریکا مجرم نیست بیمار است!

«گلایه وزیر خارجه از کفران نعمت برجام»

«هنوز دیر نشده، تا ششم آگوست وقت داریم شکر کنیم!»

حالا دیگر چه مصرف کنیم چه نکنیم می‌میرم! هیچ کس به فکر من نیست. خانواده و دوستانم رهایم کردند و رفتند. فقط یک ظریف و عراقچی مانده‌اند که من امیدم به آنهاست! خواهش می‌کنم، التماس می‌کنم دستم را بگیرند و از این منجلاب بیرون بکشند! باور کنید با اینکه همین دو ساعت پیش یک بست تحریم‌زدم توی رگ ولی هنوز تحریم فاحش نکرده‌ام! تو رو خدا بیایید من را ببرید به یک کمپ ترک اعتیاد. شنیده‌ام توی لاهه یک کمپ خوب هست. آقایی کنید و من را بفرستید آنجا تا ترکم بدهند. قول می‌دهم بعدش دیگر آدم شوم و پاک زندگی کنم. سرم به سنگ خورده. نجاتم بدهید. من مجرم نیستم، بیمارم. دست خودم که نیست!

بله، اینها حرف‌های خود امریکای مافکنی است. همان طور که آقای ظریف گفت: «کسانی که می‌گویند برجام هیچ کاری نکرد، باید شرایط دو سال گذشته را با شرایط امروز مقایسه کنند... یک خرده بعضی‌ها کفران نعمت کردند. یادشان نبود. بالاخره شکر نعمت باید می‌کردیم و باید بکنیم.» نباید یادمان برود که چی بودیم و چی شدیم. دلار ۳ هزار تومان بود حالا شده ۱۰ هزار تومان. کی فکرش را می‌کرد خریدن دلار این همه سخت شود! این یعنی فشار به امریکا، سکه گران شد و مهریه خانم‌ها یک مرتبه چند برابر شد! کدام دولت این همه به قشر بانوان خدمت کرده است؟ بشمارید ببینید سرجمع خدمت‌های بقیه دولت‌ها چند تومان می‌شود. خدمت‌های این دولت چند تومان می‌شود؟ در کدام دوره یک جوان ۳۰ ساله می‌توانست ۵۰ هزار تا سکه بخرد؟! الان این امکان فراهم شده. شهرام جزایری هم که دستگیر شد، دیگر چه می‌خواهید؟ مامه بابا تیا هم برمی‌گردد به استقلال نگران نباشید!

حیف که کفران نعمت برجام کردید و گرنه برجام دو و سه و چهار را هم می‌آوردند تا همین اندک مشکلات هم حل شود بروی کارش. من که از کفران کنندگان نمی‌گذرم! در عوض جزو شکر کنندگان هستم. خدایا شکرت به خاطر برجام و ظریف! خدایا شکر! خدایا یک کاری کن ترامپ روز ششم آگوست قبل از بازگرداندن تحریم‌ها حناق بگیرد و نتواند حرف بزند! بعدش هم دستش بشکند و نتواند تحریم‌ها را امضا کند. آهای دلواپسان کفران کار! پاشید به جای این کارها بروید نزد جناب ظریف و به اتفاق دعا کنید.



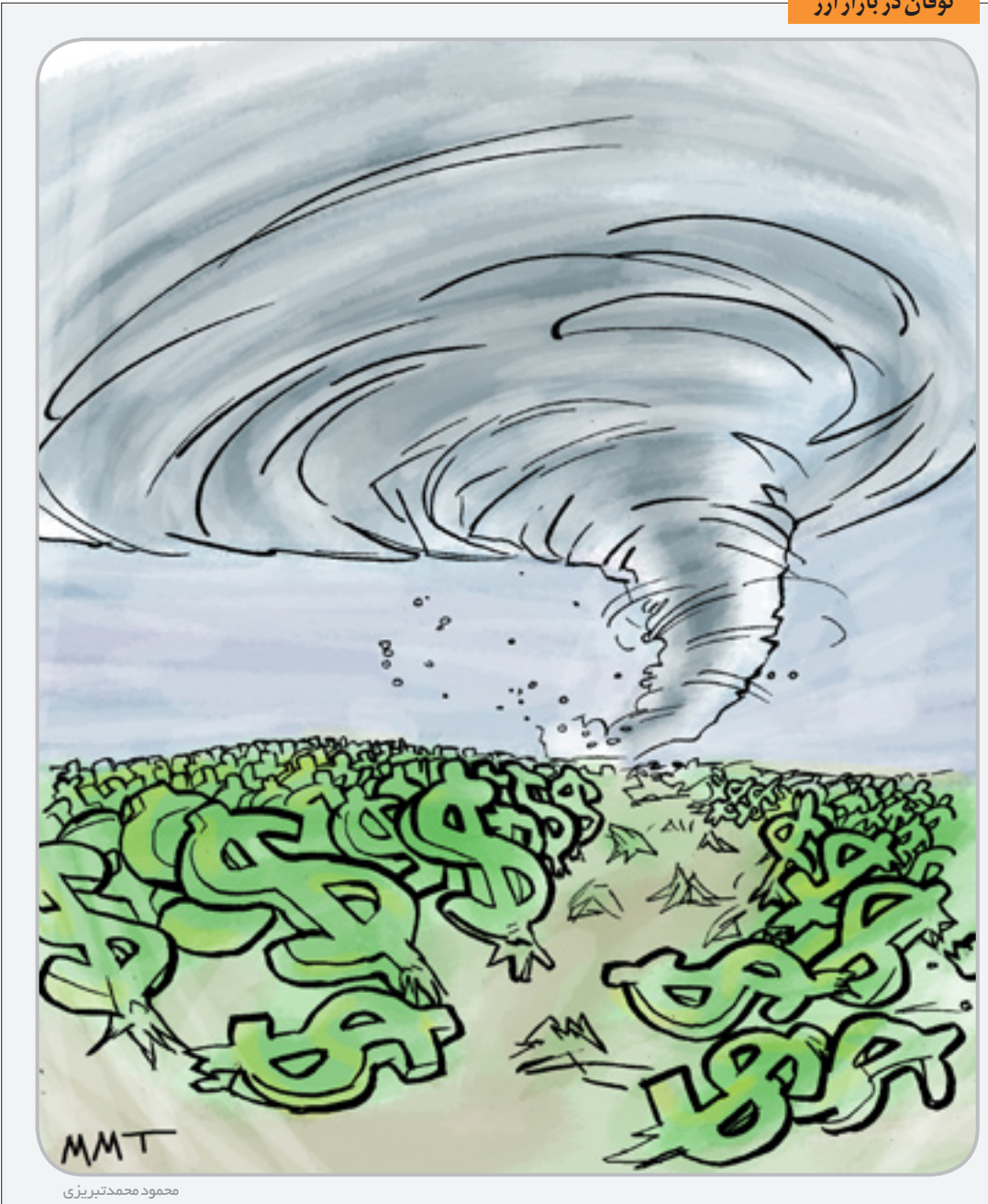
بصرخص

وزیر امور خارجه معتقد است آمریکایی‌ها معناد تحریم هستند. از ایشان به خاطر حسن نیت و دلسوزی‌شان برای این معناد مفکنی تشکر می‌کنیم ولی تذکر می‌دهیم که معناد مجرم نیست بلکه بیمار است. یعنی مرض دارد! هر کس به یک چیزی معناد است. مثلا بعضی‌ها به مذاکره معناد هستند! دقت کردید این جور آدم‌ها هر موضوعی را می‌خواهند بسا مذاکره حل کنند.

فرض کنید این معناد گرامی (که به هیچ وجه مجرم نیست) توی اتوبوس شلوغ و پایش را گذاشته روی پای شما. شما می‌گویید: «آآآ... پاتو بردار!» و لسی‌وی عینکش را می‌آورد توک دماغش و می‌گوید: «آرام باش عزیزم! بگذار با گفت و گو مسئله را حل کنیم!» شما می‌گویید: «میشه لطفا پاتونو بردارید بعد گفت‌وگو کنیم؟!» می‌گوید: «نخبر جانم! مذاکره تابع اقدام متقابل است. اگر من پیام را بردارم باید شما هم پایتان را از روی پای من بردارید ولی این ممکن نیست. پس من هم نمی‌توانم پیام را بردارم!» اکثر مواقع یک چنین مذاکره‌ای همین جا به پایان می‌رسد. حالا یا با یک هل کوچک یا بیشتر! ولی امکان دارد شما هم تن‌تان بخارد برای مذاکره بیشتر و موضوع از این جوری کش بدهید: «آخه شما از اول اشتباهی پاتونو اینجا گذاشتید. این منطقه محدوده پایهای منه!» بعد او با یک نگاه عاقل اندر سفیه می‌گوید: «نخبر، تو بودی که اول پا روی دُم من گذاشتی. کل این اتوبوس محدوده دُم من است!»

بگذریم. داشتیم از انواع اعتیاد می‌گفتیم. بعضی‌ها به تحریم معناد هستند مثل همین امریکای مفلوک. بنده خدا افتاده گوشه خرابه و سوزن تحریم‌ها را فرومی‌کند توی رگ و امانده‌اش! بسوزد پدر تحریم‌ها که خانمان سوز است. همین امریکا را می‌بینید؟ همین که امروزه روز این طور شکسته و بیچاره شده، یک زمانی جوان برومندی بود. برای خودش کار و زندگی داشت. اما از وقتی که دوستان ناباب دورش را گرفتند به این روز افتاد. اوایل تفریحی تحریم می‌کرد. بعد به تدریج مصرفش بالا رفت. خودش تعریف می‌کرد که روزهای اول وقتی یک کسی را تحریم می‌کردم خیلی کیف می‌داد ولی کم کم لذتش از بین رفت و به جایی رسید که اگر چند وقت تحریم جدید نمی‌زدم حالم خراب می‌شد. مجبور بودم مصرف کنم تا سرپا بایستم!

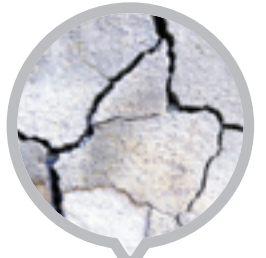
توفان در بازار ارز



محمود محمدمتیریزی

از ما گفتن بود

تورشناسایی امریکا



طبله

سختگویی ثبت‌احوال کشور درباره دلایل تأخیر در صدور کارت هوشمند ملی گفت: بر اثر تحریم‌ها دیگر نمی‌توانیم بدنه کارت را وارد کنیم به همین دلیل اقدامات خود را برای صدور کارت تولید داخل آغاز کرده‌ایم.

وی در ادامه درباره اینکه اگر ما می‌توانستیم در داخل بدنه کارت ملی را تولید کنیم پس چرا وارد می‌کردیم لبخند زد و سپس بعضی نمود. سختگویی ثبت‌احوال تصریح کرد کارت ملی تولید داخل هیچ فرقی با مدل خارجی‌اش ندارد و فردا راه نیفتید توی بازار سیاه کارت ملی خارجی خود را خرید و فروش کنید! وی همچنین شایعه قطع یارانه کسانی که کارت ملی خارجی دارند را تکذیب کرد و گفت: همه‌اش تقصیر ترامپ است ولی مردم نگران نباشند، دیوار تحریم‌ها خیلی وقت پیش ترک خورده و تا الان حتما نم کشیده و طبله هم کرده است. به زودی شاهد ریزش دیوار خواهیم بود و مشکل کارت ملی و آب خوردن و قطع برق یکجا حل خواهد شد.



چرت و پرت

حسن یونس سینیکی، معاون امور اقتصادی و بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت در پاسخ به این سؤال که مردم، این روزها از شما با عنوان مرد شماره یک تنظیم بازار کشور خیلی انتظار دارند؛ چه کارهایی را برای پاسخگویی به این انتظارات در دستور کار دارید؟ خیلی ظریف و عراقچی، سؤال خبرنگار را به سمت خودش پرتاب کرد و تا خبرنگار بیچاره بیاید و خودش را جمع و جور کند، در ادامه گفت: من از رسانه‌ها انتظار دارم که این قدر چرت و پرت به مردم نگویند تا ما حرف‌های مان را بزنیم! یعنی یک چیزی توی مایه‌های برو بینیم بیا باد بیاد سیرابی!

معاون وزیر صنعت در پاسخ به اینکه برای تنظیم بازار چه اقداماتی را در دستور کار دارید؟ گفت: «من به شما نباید جواب بدهم!» بلکه به ایشان هم نباید جواب بدهم، وی همچنان که صدای فشرده شدن دندان‌هایش شنیده می‌شد ادامه داد: من به بابایم هم جواب نمی‌دهم چه برسد به مردم! رئیس ستاد تنظیم بازار در پایان تأکید کرد که حالا چون مردم به ما رأی دادن که نباید توقع بیجا داشته باشند!



لبوفروش

یکی دیگر از مشاوران همین دولت گفت: تصور دولت در برجام از ابتدا اشتباه بود و آنکا به اروپا برای حفظ برجام نیز اشتباه است. سریع القلم که در مصاحبه با خبرنگاران حرف زد، ادامه داد: این دیدگاه رومانتیک ناشی از فقدان شناخت از آمریکا است. دکتر سریع‌القلم در حالی که آب معدنی روی میز را باز می‌کرد در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسید: «اگر از اول می‌دانستید، چرا تا چند وقت قبل به شدت از برجام طرفداری کرده و منتقدان و صدواسیما را متهم به نادانی و نشناختن دنیا می‌کردید؟» ابتدا بطوری آب معدنی را به سمت آن خبرنگار موردنظر پرتاب کرد و سپس با آرامش گفت: من کی طرفداری کردم؟ هان؟! و در ادامه، شناخت قبلی خود از آمریکا و اروپا را خیلی از نزدیک ندانست و افزود: پیشنهاد مشخص من این است که دولت، من و برخی افراد منتخب را که من می‌گویم، بفرستد دوباره برویم آمریکا را اصلا از اول بشناسیم! مشاور سابق دولت در اعتراض به جاخالی دادن خبرنگار موردنظر، جایگاه مصاحبه را ترک کرد و گفت: مردک لبوفروش!